فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی
سال نوزدهم، شماره ۵۸، تابستان ۱۳۹۰، صفحات ۱۹۰-۱۵۹

عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری در ایران و کشورهای جنوب‌غرب آسیا

سیاوش جانی
دانشجوی دکتری اقتصاد و کارشناس دفتر برنامه‌ریزی اقتصادی معاونت برنامه‌ریزی ونظارت راهبردی رئیس جمهور
jani13552002@yahoo.com

رقابت‌پذیری که در سیر تکوینی نظریات مزیت و تحول در مفهوم رقابت ارائه می‌شود به رشد مستمر بهره‌وری و درآمد سرانه در فرایند رقابت بین‌المللی تأکید دارد. برآورد میزان رقابت‌پذیری در این مطالعه براساس اطلاعات مجمع جهانی اقتصاد که درقالب سه محور برخورداری از نیازمندی‌های اساسی، کارایی و نوآوری ارائه می‌شود با منظور نمودن متغیرهای مؤثر برای کشورهای منطقه جنوب‌غرب آسیا (حوزه موردنظر در سند چشم‌انداز بیست ساله) و بکارگیری تکنیک پانل دیتا صورت گرفت. براساس برآورد مذکور، رتبه رقابت‌پذیری ایران بین کشورهای مورد بررسی ۷ می‌باشدکه نسبت به رقم ۱۰ اعلام‌شده توسط مجمع جهانی اقتصاد وضعیت بهتری را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که تأثیر درآمدهای نفتی در کشورهای نفت‌خیز بر رقابت‌پذیری تنها از طریق محور برخورداری از نیازمندی‌های اساسی بوده و کشورهای غیرنفتی با اتکاء بر محور کارایی به افزایش رقابت‌پذیری پرداخته‌اند. تحلیل رابطه بین عناصر تشکیل‌دهنده محور برخورداری از نیازمندی‌ها اساسی و محورهای کارایی و نوآوری نشان می‌دهد، علیرغم اینکه امتیاز برخورداری از نیازمندی‌ها برای ایران نسبت به کشورهای مورد بررسی در وضعیت بهتری قرار دارد، اما ایران عناصری از محور نیازمندی‌ها (از جمله آموزش اولیه و بهداشت) را داراست که تأثیر کمتری بر محور کارایی و نوآوری دارند.

طبقه‌بندی JEL: *F10, O4* .

واژه‌های کلیدی: *رقابت‌پذیری، مزیت‌رقابتی، رقابت، کشورهای منطقه جنوب‌غرب آسیا.*

* **تاریخ دریافت:۱۳۹۰/۳/۷** **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۵/۱۹**

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

۱. مقدمه

نگاهی به وضعیت تجارت جهانی نشان می‌دهد که در طول سه دهه (۱۹۹۱-۱۹۶۱) حجم صادرات کل به قیمت اسمی دلار آمریکا ۳۰ برابر شده است. مقایسه بین کشورهای مختلف و بررسی افزایش یا کاهش سهم آنها از کل حجم تجارت نشان می‌دهد که عموم کشورهایی که امروزه جزء کشورهای صنعتی قرار گرفته‌اند در گام‌های اولیه رشد اقتصادی، استراتژی رشد خود را بر پایه مزیت نسبی بنا نهاده بودند (پژویان و فقیه‌نصیری، ۱۳۸۸).

بسیاری از اقتصاددانان به رابطه قوی میان تجارت و رشد اقتصادی تأکید داشته و معتقدند که توسعه تجارت بین‌الملل منجر به افزایش تخصص و کارایی شده و در نهایت باعث تخصیص مجدد منابع از بخش‌های اقتصادی غیرکارا به بخش‌های کارا می‌شود که این پدیده می‌تواند به رشد تولید کمک نماید. به طور کلی، آثار جانبی رشد تجارت بین‌الملل بر رشد تولید عبارتند از افزایش بهره‌وری عوامل تولید، کارایی در تخصیص منابع، پیشرفت تکنولوژی و استفاده از تکنولوژی‌های روز، فراهم آوردن امکان بهره‌گیری از صرفه‌های ناشی از مقیاس و افزایش تخصصی نیروی‌کار می‌باشد (رس، ۱۹۸۸).

امروزه الگوی تجاری بسیاری از کشورها تنها براساس مزیت نسبی قابل‌توجیه نیست و مفهوم مزیت نیز که در پی تبیین واقعیات تجاری در عرصه جهان است. به دنبال تحول در شرایط تجارت جهانی تکوین‌یافته تا قدرت تبیین خود را حفظ کند. مزیت‌نسبی که خود تکوین‌یافته نظریه مزیت مطلق بود به مزیت‌نسبی پویا و سرانجام با تکامل در نظرات مزیت در انتهای دهه ۱۹۹۰ نظریه مزیت رقابتی و رقابت‌پذیری (رقابت‌پذیری) مطرح گردیده است.

بر این اساس، بررسی موقعیت رقابت‌پذیری ایران با توجه به تأکید سند چشم‌انداز بیست‌ساله بر جایگاه نخست اقتصاد ایران در بین کشورهای منطقه و عنایت به این نکته که در بسیاری از بررسی‌های انجام شده برای تحلیل جایگاه و موقعیت اقتصاد کشور در بین کشورهای مذکور به شاخص‌های کلان اتکاء شده است حائز اهمیت خواهد بود.

در این مطالعه با مروری مختصر بر سیر تاریخی نظریه‌های مزیت، مفهوم رقابت‌پذیری بیان شده و با بررسی گزارش جهانی رقابت‌پذیری سال ۲۰۱۰ (که برای نخستین‌بار ایران نیز در فهرست کشورهای آن قرار گرفته) موقعیت رقابت‌پذیری اقتصاد ایران در مقایسه با سطح جهانی و کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا یعنی حوزه موردنظر در سند چشم‌انداز بیست ساله مورد تحلیل قرار می‌گیرد، سپس براساس تعریف و مبانی ارائه شده از سوی مجمع جهانی موقعیت رقابت‌پذیری کشورهای منطقه با عنایت به تأثیر درآمدهای نفتی برآن ارزیابی و برآورد می‌شود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

۲. مروری بر ادبیات مزیت

نظریه‌های مدرن مزیت از بحث آدام اسمیت (۱۷۷۶) و دیوید ریکاردو (۱۸۱۷) در ارتباط با مزیت نسبی آغاز می‌شود و می‌تواند در دو گروه نظریات سنتی و نظریات جدید طبقه‌بندی شود. قدرت توضیح‌دهندگی نظریات سنتی که بر نسبت‌های عوامل تأکید داشتند پس از جنگ جهانی دوم و به طور جدی توسط واسیلی لئون‌تیف (۱۹۵۴) با ارائه شواهدی از الگوی تجارت خارجی ایالات متحده آمریکا مورد تردید قرار گفت وسبب شد دو جریان نظریه‌های فناوری جدید[1] و عوامل جدید[2] ظهور کنند. نظریه‌های معطوف به عوامل جدید تلاش نمودند با معرفی عوامل جدیدی همچون سرمایه انسانی، ضعف نظریات سنتی را برطرف کنند حال آنکه نظریات فناوری جدید از رقابت ناقص شروع کرده و با طرح مباحثی چون شکاف فناوری و مزیت فناوری در پی افزایش قدرت توضیح‌دهندگی نظریه تجارت بین‌الملل برآمدند. در مجموع نظریات جدید تجارت بین‌الملل به واقعیاتی چون رقابت‌ناقص، مزیت‌رقابتی، مقیاس فعالیت‌های اقتصادی و فناوری‌های نوآوری در فضای واقعی تجارت و رقابت توجه نمودند و سرانجام با در نظر گرفتن عوامل سیاسی، اجتماعی و نهادی در قالب مزیت سیستمی نمود یافتند (حسینی و ملک‌محمدی، ۱۳۸۶).

پس از نظریه هکشر اوهلین که در واقع شکل متعادل‌تری از مزیت نسبی ریکاردو است در دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نظریه چرخه ورنن۳ از وزن بیشتری نسبت به نظریه‌های دیگر تجارت در این زمان برخوردار بود. ورنن الگوی خود را نه بر مزیت نسبی حاصل از نسبت عوامل بلکه براساس تأثیر فاصله زمانی ابداعات، اثر مقیاس و نقش نبودآگاهی و اطمینان بنا می‌کند. وی چنین ادعا می‌کند که بین آگاهی از قواعد علمی و بکارگیری این قواعد در محصولات بازاری شکاف زمانی قابل‌توجهی وجود دارد.

در دهه ۱۹۸۰ نیز نظریه شکاف تکنولوژی پاسینی و کروگمن از مقبولیت بسیاری برخوردار شد. در این تفکر که جریان تجارت در داخل کشور و در میان کشورهای مختلف بستگی به تفاوت‌های دانش تکنولوژیک این کشورها دارد تاریخچه‌ای طولانی در اندیشه اقتصادی دارد. دیدگاه اصلی تکنولوژیک درخصوص تجارت بر این عقیده است که اهمیت عامل تکنولوژی در تعیین روند تجارت به تدریج در طول زمان و به واسطه سهولت در انتقال تکنولوژی کاهش می‌یابد.

1. Neo - Technology
2. Neo - Factors
3. Vernon

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

در سال۱۹۸۷ رابطه بین تجارت و رشد تکنولوژی توسط کروگمن به معرفی مزیت پویا منجر گردید. در این مفهوم، مزیت اکتسابی بوده و همراه با تغییر در موجودی عوامل و فناوری تغییر می‌کند بکارگیری صرفه‌های مقیاس، کارایی در تولید و تخصص و مهارت نیز از جمله عواملی هستند که سبب تغییر در مزیت نسبی می‌شوند. در این راستا، یانگ در سال ۱۹۹۱ رابطه تجارت در رشد اقتصادی را با استفاده از سازوکار یادگیری در عمل مورد بررسی قرار می‌دهد البته در زمینه رابطه رشد و تجارت مطالعاتی دیگر نیز در همین دوره صورت پذیرفت که از آن جمله می‌توان به مطالعات افرادی چون گروسمن و هلپمن که الگوی رشد درون‌زا را با تحمیل فرض رفتار سرمایه‌گذاری‌های سودجویانه در تحقیق و توسعه و تحولات ابداعات مورد توجه قرار دادند، اشاره نمود.

در سیر تکوین نظریه‌های مزیت به دیدگاه دیگری نیز با عنوان مزیت رقابتی که توسط مایکل پورتر (۱۹۹۰) مطرح شد، مواجه می‌شویم. وی معتقد است یک کشور با توجه به ویژگی‌های خاص خود می‌تواند محیطی را فراهم کند که خلق مزیت رقابتی توسط بنگاه‌های داخلی تشویق شود. در نتیجه قادر به تولید و مبادرت به صدور کالاهایی خواهد کرد که متضمن رشد مستمر آن کشور شود. در این دیدگاه بر ماندگاری یک کشور در صحنه رقابت جهانی تأکید می‌شود.

مزیت رقابتی از طریق فرایند پیچیده‌ای ایجاد می‌شود. تفاوت در ساختار اقتصاد ملی، فرهنگی، ارزش‌ها و نهادها و تاریخ کشورها بر مزیت رقابتی کشورها تأثیر دارد و کشوری که بتواند از این عوامل در توسعه نقش بنگاه‌های خود استفاده مؤثر نماید، شرایطی را فراهم می‌آورد که نقش بنگاه‌های اقتصادی آن در اقتصاد بین‌الملل به طور مستمر افزایش یابد. در این دیدگاه به نقش‌دولت‌ها در ایجاد چنین محیطی تأکید می‌شود (پورتر، ۱۹۹۰).

میر (۱۹۹۸) با طبقه‌بندی نظریات مزیت براساس سطح رشد و توسعه کشورها معتقد است که مزیت نسبی دارای یک نردبان پیشرفت است که اغلب کشورها آنرا می‌پیمایند به طوری که کشورهای توسعه‌نیافته از مزیت‌نسبی (طبیعی)، کشورهای تازه صنعتی شده از مزیت‌اکتسابی یا مزیت پویا و در نهایت کشورهای توسعه‌یافته براساس مزیت رقابتی عمل می‌کنند.

علیرغم تفاوت اشاره شده در نظریه‌های مزیت این نظریه‌ها در تلاش برای کسب هزینه پایین در تولید تلاش می‌نمایند، اما رویکرد متفاوتی را ارائه می‌دهند به‌طوری‌که مزیت نسبی پویا استفاده کارا از عوامل و بکارگیری فناوری‌های جدید را مورد توجه قرار می‌دهد، در حالی‌که مزیت رقابتی بر ایجاد محیط رقابتی که بواسطه آن بنگاه‌ها برای ابداعات و نوآوری در تلاش هستند، تأکید دارد. عنصری که در نظریه‌های جدید نسبت به نظریه‌های قدیمی بیشتر موردتوجه قرار گرفته، تأکید برکارایی و بهره‌وری

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

از طریق ایجاد فضای رقابتی است. آنچه مسلم است، رقابتی که در این بحث مطرح می‌باشد رقابتی ایستا و مبتنی بر دیدگاه نئوکلاسیک نیست.

در دیدگاه مکتب نئوکلاسیک، رقابت به عنوان نظریه ایستای رقابت موقعیت تعادلی را توصیف می‌کند که این موقعیت پایانی بر تلاش بنگاه‌ها برای تسلط بر بازار می‌باشد. در این مکتب درجه رقابت براساس تعداد بنگاه‌های مشابه و نه براساس رفتار رقابتی تعیین می‌شود، در حالی که مخالفین این نظریه معتقدند که این وضعیت اساساً درگیر هیچ رقابتی نیست.

ژرژسکو روزن (۱۹۷۶) معتقد است رقابت زمانی عملی می‌شود که یک عنصر انحصاری مبنی بر تفاوت بین بنگاه‌ها را بپذیریم. در این حالت حوزه عمل رقابت محدود به تعداد بنگاه‌ها نبوده بلکه وابسته به شرایطی است که رفتارهای متفاوت بنگاه‌ها را موجب می‌شود. در این مفهوم رقابت فرایندی است برای پیداکردن بهترین رفتار و برترین عملکرد.

در این راستا، شومپیتر و هایک رقابت را یک فرایند پویا می‌دانند که طی آن روش‌های تولید و محصولات برتر معرفی می‌شوند. در این خصوص شومپیتر اصلاح تخریب آفریننده را به فرایند رقابت نسبت می‌دهند و معتقد است که رقابت در درون خود نیروی محرک و پیش‌برنده‌ای به نام ابداع و نوآوری دارد. بنگاه‌ها از طریق نوآوری و ابداع می‌تواند هزینه‌های خود را کنترل نمایند و به کیفیت بهتری دست یافته و بقای خود را در بلندمدت تضمین نمایند. در این رویکرد خلق مزیت رقابتی با ارائه محصولات برتر و نوآوری همراه بوده و به ارتقاء بهره‌وری در طول زمان می‌انجامد (خدادادکاشی، ۱۳۸۸).

براین اساس، مایکل پورتر رشد مستمر و ماندگاری یک کشور در صحنه جهانی را به توانایی آن کشور در ایجاد محیطی برای خلق مزیت رقابتی توسط بنگاه‌ها داخلی مرتبط می‌داند و به نقش‌دولت‌ها در ایجاد چنین محیطی تأکید دارد.

۳. مفهوم رقابت‌پذیری

تا پیش از دهه‌های (۱۹۸۰-۱۹۷۰) چنین تصور می‌شد که می‌توان با اتکاء صرف به شاخص‌های کلان از جمله نرخ رشد اقتصادی، درآمد سرانه، نرخ تورم، بیکاری، تراز تجاری و ... در خصوص توانمندی یک اقتصاد ملی و مقایسه کشورها با یکدیگر قضاوت نمود، اما به مرور زمان ضعف شاخص‌های کلان برای نمایش واقعیت‌های پیچیده درون اقتصادها روشن شد. از این رو، هم مدیران کسب و کار داخلی و هم مجامع بین‌المللی در جستجوی نماگرهای دیگری بودند که بتوانند قوت و ضعف اقتصادی کشورها را نسبت به یکدیگر و به نحو جامعتری مقایسه نمایند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

مفهوم رقابت‌پذیری که در سیر تکامل نظریه‌های مزیت و به ویژه مزیت رقابتی قرار دارد از جنبه‌های خرد و کلان قابل بررسی است. از بعد کلان این مفهوم در بعد اقتصاد ملی مطرح می‌شود، اما مفهوم خرد رقابت‌پذیری گسترده‌تر از مفهوم کلان آن بوده و مشتمل بر خصوصیات اساسی تولیدکنندگان در زمینه رقابت در سهم بازار، سود حاصل از تولید و صادرات می‌باشد.

سنجش رقابت‌پذیری در سطح کلان توسط بنیاد مدیریت توسعه[1] و مجمع جهانی اقتصاد[2] مطرح می‌شود و رویکرد خرد در مفهوم رقابت‌پذیری توسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) بکار گرفته شده است. هر یک از سازمان‌های فوق به تعاریفی از رقابت‌پذیری پرداخته و محاسباتی نیز بر اساس تعاریف صورت گرفته انجام داده‌اند. از دیدگاه مجمع جهانی اقتصاد تعاریف ذیل برای رقابت‌پذیری ارائه شده است:

– رقابت‌پذیری توانایی اقتصاد ملی در پایداری رشد یا حفظ استاندارد زندگی (درآمد سرانه) است.

– توانایی یک کشور در بدست آوردن رشد پایدار تولید پایدار ناخالص داخلی سرانه

– مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عوامل که سطح بهره‌وری یک کشور را تعیین می‌کنند و بهره‌وری تعیین‌کننده رشد درآمد سرانه آن کشور است (WEF, 2010).

بنیاد مدیریت توسعه (IMD) در تعریفی آورده است که رقابت‌پذیری حوزه‌ای از اقتصاد است که به تحلیل عوامل و سیاست‌هایی می‌پردازد که شکل‌دهنده توان ملل در ایجاد و نگهداری محیط بوده و منجر به ایجاد ارزش بیشتر در محیط کسب و کار و موفقیت بیشتر مردمش می‌شود.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (۱۹۹۶) معتقد است رقابت‌پذیری عبارت است از سطحی از تولید کالا و خدمات کشور که در شرایط بازار آزاد بتواند تقاضای بازارهای جهانی را جذب کند و سطوح مختلف این تقاضا را برآورده سازد و درعین حال به این وسیله درآمد واقعی شهروندان را در بلندمدت افزایش دهد. این سازمان در تعریف دیگر عنوان می‌کند که رقابت‌پذیری درجه‌ای از وضعیت بازار باز است که یک کشور می‌تواند به تولید کالا و خدمات بپردازد در حالی‌که رقبای خارجی را کنار خود حس می‌کند و همزمان بتواند درآمد واقعی داخلی خود را افزایش دهد.

چنانچه ملاحظه می‌شود تعاریف صورت‌گرفته از رقابت‌پذیری با رویکرد خرد به بحث رقابت بین بنگاه‌های داخلی و خارجی برای کسب سهم بیشتر از بازار داخلی و خارجی تأکید دارد حال آنکه در

1. Institute of Management Development (IMD)
2. World Economic Forum

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

تعاریف با رویکرد کلان به ایجاد محیط رقابتی اشاره می‌شود که در راستای تعریف صورت گرفته از مزیت رقابتی است.

خلق مزیت‌رقابتی توسط بنگاه‌های داخلی براساس نگاه فرایندی به رقابت به معنای معرفی روش‌ها و محصولات جدید همراه با کاهش هزینه‌ها در تولید مرتبط بوده و ارتقاء بهره‌وری را دنبال می‌کند.

۴. تحلیل شاخص رقابت‌پذیری جهانی (GCI)[1]

در راستای سنجش رقابت‌پذیری نهادهای بین‌المللی اقدام به تدوین شاخص‌هایی کردند که از جمله مهم‌ترین آنها شاخص‌هایی هستند که توسط مجمع جهانی اقتصاد (WEF)، بنیاد توسعه مدیریت (IMD) و سازمان همکاری اقتصاد و توسعه (OECD) مطرح شده است.

در این میان، برخی از محققان مطالعاتی در خصوص رقابت‌پذیری برای یک کشور و یا گروهی از کشورها انجام داده‌اند که از آن جمله می‌توان به مطالعات صورت‌گرفته توسط یولنجین، یولنجین و یونسل (۲۰۰۲)، کادرابکوا (۲۰۰۵) و باون و موس (۲۰۰۵) اشاره نمود. یولنجین و یونسل با ارائه ۷ شاخص ترکیبی به عنوان شاخص‌های اصلی موقعیت رقابت‌پذیری کشورها را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما مطالعات انجام‌شده توسط کادرابکوا و باون و موس در راستای مطالعات و با اتکاء بر اطلاعات جمع‌آوری شده توسط کارشناسان مجمع جهانی اقتصاد می‌باشد.

علاوه بر بکارگیری داده‌های مجمع جهانی اقتصاد توسط بسیاری ازصاحب‌نظران این شاخص توسط بسیاری از سازمان‌ها به عنوان مرجع شناخته شد. رعایت وزن هر یک از عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری با عنایت به سطوح توسعه کشورها از ویژگی مهم این شاخص می‌باشد.

در سال ۲۰۱۰ موقعیت رقابت‌پذیری ایران برای نخستین‌بار توسط شاخص‌های مجمع جهانی اقتصاد مورد بررسی قرار گرفته است. در این مطالعه ضمن بررسی شاخص مذکور به تحلیل موقعیت ایران بین سایر کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا (مطرح سند چشم‌انداز) براساس این شاخص پرداخته می‌شود.

چنانچه از تعاریف صورت‌گرفته برای رقابت‌پذیری از سوی مجمع جهانی اقتصاد ملاحظه شد، رشد پایدار و مستمر به عنوان عنصر اساسی رقابت‌پذیری قلمداد شده است. در این شاخص، رقابت‌پذیری براساس مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی که سطح بهره‌وری یک کشور را تعیین می‌کنند، ارائه می‌شود به طوری که این سطح از بهره‌وری سطح پایداری از پیشرفت را برای اقتصاد

1. Global Competitiveness Index

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

ایجاد می‌کند. در واقع، سطوح بهره‌وری بالا حاکی از نرخ بازده بالا بوده و این نرخ یکی از عوامل اصلی نرخ رشد بالای اقتصاد می‌باشد. به عبارتی هرچه رقابت‌پذیری بالا باشد، اقتصاد در میان‌مدت و بلندمدت رشد سریعی را تجربه خواهد کرد.

شاخص رقابت‌پذیری جهانی GCI که یک شاخص ترکیبی است در قالب سه محور برای ارزیابی رقابت‌پذیری کشورها ارائه شده است که این محورهای عبارتند از:

– میزان برخورداری از نیازمندی‌های اساسی (که کلید رقابت اقتصادهای مبتنی بر منابع است)

– میزان کارایی (که کلید رقابت اقتصادهای مبتنی بر کارایی است)

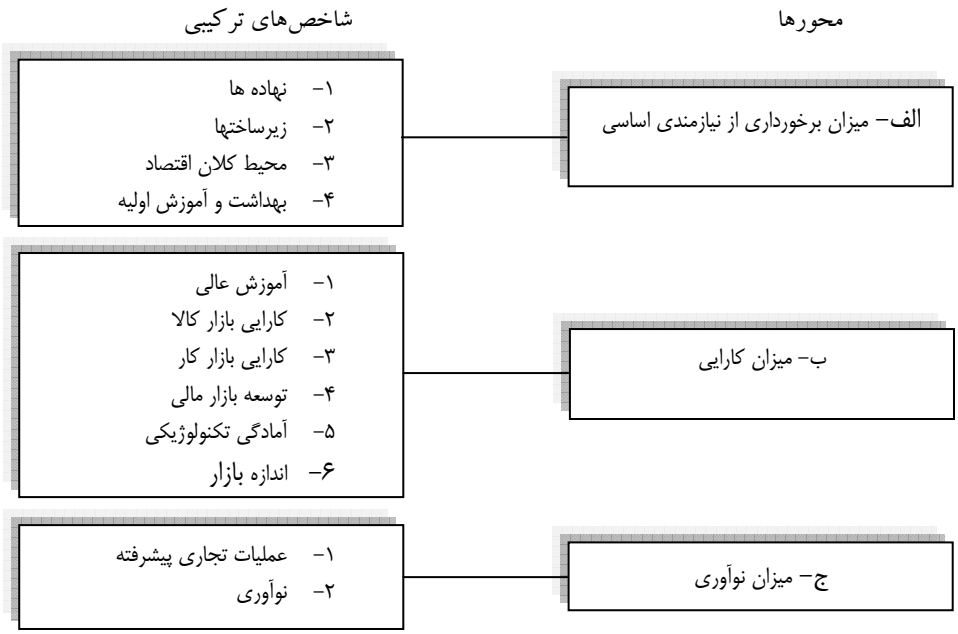
– میزان نوآوری (که کلید رقابت اقتصادهای مبتنی بر خلاقیتند)

تفکیک شاخص GCI به سه محور فوق شباهت زیادی به مطالعه میر (۱۹۹۸) درخصوص طبقه‌بندی نظریات مزیت براساس سطح رشد و درجه توسعه‌یافتگی کشورها دارد. در واقع، این شاخص براساس عوامل مؤثر در ایجاد مزیت که براساس سطح توسعه کشورها متفاوت است، تدوین شده و از این لحاظ مطابق با نظریه‌های مزیت می‌باشد.

نقطه قوت شاخص رقابت‌پذیری براساس سه محور فوق این است که براساس شاخص‌های موردنظر می‌توان اقتصاد نهاده محور و اقتصاد بهره‌ور محور را از یکدیگر تفکیک نمود و با توجه به رویکرد موردنظر در سند چشم‌انداز بیست ساله مبنی برحرکت به سمت اقتصاد دانایی‌محور و بکارگیری کارامد عوامل تولید به تحلیل و ارزیابی وضعیت رقابت‌پذیری با دقت بیشتر پرداخت.

هر یک از محورهای فوق از چندین شاخص ترکیبی تشکیل شده‌اند به طوری که شاخص رقابت‌پذیری GCI، ۱۲ شاخص ترکیبی را شامل می‌شود که به شرح ذیل به عنوان زیرمجموعه محورهای یاد شده قابل ارائه است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]



مأخذ: The Global Competitiveness Report, 2010–2011, P. 9.

نمودار ۱. محورها و شاخص‌های ترکیبی رقابت‌پذیری

۵. موقعیت رقابت‌پذیری ایران براساس شاخص GCI

در گزارش رقابت‌پذیری جهانی، موقعیت رقابت‌مندی ۱۳۹ کشور جهان براساس شاخص‌های ذکر شده در بخش قبلی ارائه شده است. همان‌طور که پیش از این اشاره شد ایران جزء کشورهایی است که در سال ۲۰۱۰ در لیست کشورهای گزارش مذکور قرار گرفته است. علاوه بر ایران، شاخص رقابت‌پذیری بسیاری از کشورهای منطقه نیز در این گزارش ارائه شده است. همین امر فرصت مناسبی را بوجود می‌آورد که با توجه به تأکیدات صورت‌گرفته در سند چشم‌انداز برای اقتصاد ایران درخصوص وضعیت کسب جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری موقعیت اقتصاد ایران نه تنها در بین کشورهای جهان بلکه در میان کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا قابل بررسی باشد.

در جدول (۱) رتبه و امتیاز رقابت‌پذیری ۱۸ کشور منطقه جنوب غرب آسیا براساس شاخص GCI و به تفکیک محورهای سه‌گانه ارائه شده است. چنانچه از جدول قابل ملاحظه است ایران که در ۱۳۹ کشور جهان رتبه ۶۹ را داراست و در بین ۱۸ کشور منطقه جنوب‌غرب آسیا رتبه ۱۰ را کسب نموده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

کشور قطر با رتبه ۱۷ در دنیا رتبه نخست را در جدول (۱) دارا می‌باشد و کشور پاکستان با رتبه ۱۲۳ در دنیا آخرین کشور در این جدول است. به منظور دقت بیشتر در جدول (۲) شاخص GCI به تفکیک محورهای سه‌گانه (برخورداری از نیازمندی‌های اساسی، کارایی و نوآوری) ارائه شده است. نکته حائز اهمیت در جدول مذکور، رتبه ۹ ایران در محور نیازمندی‌های اساسی و رتبه ۱۳ در محورهای کارایی و نوآوری است. این موضوع نشان می‌دهد که رقابت‌پذیری کشورمان بیشتر در ارتباط با برخورداری از منابع طبیعی، زیرساخت‌ها، نهادها، بهداشت و آموزش اولیه حاصل شده و شاخص‌های مرتبط با کارایی و نوآوری در سطح پایین قرار دارند .

در این میان، نگاهی به جایگاه ترکیه نشان می‌دهد که به رغم پایین بودن درجه برخورداری از نیازمندی‌های اساسی کشور مذکور توانسته است با اعمال سیاست‌های مناسب، استفاده صحیح از منابع و در نتیجه ارتقاء کارایی رتبه رقابت‌پذیری بالاتری را نسبت به ایران کسب نماید. وضعیت کشورهایی چون لبنان و پاکستان نیز کمابیش مشابه ترکیه بوده است به طوری‌که رتبه این کشورها در محور برخورداری از نیازمندی‌ها پایین بوده، درحالی‌که رتبه آنها براساس دو محور دیگر یعنی کارایی و نوآوری بالا می‌باشد. در این میان، کشورهایی چون سوریه و تاجیکستان وضعیت مشابه با وضعیت ایران را داشته‌اند.

براساس تعاریف صورت‌گرفته از مزیت و طبقه‌بندی آنها، بالا بودن کارایی و نوآوری نسب به محور نیازمندی‌ها در هر کشوری به منزله توانایی آن کشور در ایجاد مزیت رقابتی و استفاده مطلوب از زیرساخت‌ها و نهادهای موجود می‌باشد. نگاهی به شاخص‌های کارایی که در بخش پیش به آن اشاره شد نشان می‌دهد که این شاخص‌ها به سیاست‌های مناسب در زمینه بازار کار، کالا و سرمایه توجه دارند. به عبارتی مطلوب بودن درجه کارایی در موفقیت سیاست‌های مذکور و ایجاد فضای مناسب به منظور تشویق بنگاه‌ها برای فعالیت و تولید حاصل می‌شود. براین اساس، به منظور بررسی بیشتر در خصوص میزان استفاده کارا از منابع موجود در جدول (۳) نسبت امتیاز کسب شده در محور کارایی و نوآوری بر امتیاز کسب شده در محور نیازمندی‌ها برای هر کشور محاسبه و نسبت به کشورهای مورد بررسی نرمال و ارائه شده است. چنانچه ملاحظه می‌شود رتبه ایران براساس این رقم پایین بوده و کشورهایی چون پاکستان ،مصر، لبنان، مالزی و ترکیه بسیار در وضعیت بهتری قرار دارند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

جدول ۱. رتبه و امتیاز رقابت‌مندی در دنیا و در منطقه براساس شاخص GCI در سال ۲۰۱۰

کشور	امتیاز	رتبه درجهان	رتبه در منطقه
قطر	۵/۱	۱۷	۱
عربستان صعودی	۴/۹۵	۲۱	۲
امارات متحده عربی	۴/۸۹	۲۵	۳
عمان	۴/۶۱	۳۴	۴
کویت	۴/۵۹	۳۵	۵
بحرین	۵/۵۴	۳۷	۶
آذربایجان	۴/۲۹	۵۷	۷
ترکیه	۴/۲۵	۶۱	۸
اردن	۴/۲۱	۶۵	۹
ایران	۴/۱۴	۶۹	۱۰
قزاقستان	۴/۱۲	۷۲	۱۱
مصر	۴	۸۱	۱۲
لبنان	۳/۸۹	۹۲	۱۳
سوریه	۳/۷۸	۹۷	۱۴
ارمنستان	۳/۷۶	۹۸	۱۵
تاجیکستان	۳/۵۳	۱۱۶	۱۶
قرقیزستان	۳/۴۹	۱۲۱	۱۷
پاکستان	۳/۴۸	۱۲۳	۱۸

مأخذ: The Global Competitiveness Report, 2010–2011, P. 9.

جدول ۲. رتبه و امتیاز رقابت‌مندی در دنیا و در منطقه به تفکیک محورهای سه‌گانه در سال ۲۰۱۰

نیازمندی‌های اساسی			
کشور	امتیاز	رتبه در جهان	رتبه در منطقه
امارات متحده عربی	۵/۸۲	۸	۱
قطر	۵/۷۳	۱۳	۲
بحرین	۵/۴۸	۲۱	۳
عمان	۵/۴۱	۲۴	۴
عربستان صعودی	۵/۳۲	۲۸	۵
کویت	۵/۱۶	۳۶	۶

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

ادامه جدول ۲.

اردن	۴/۶۷	۵۷	۷
آذربایجان	۴/۶۷	۵۸	۸
ایران	۴/۵۸	۶۳	۹
ترکیه	۴/۴۹	۶۸	۱۰
قزاقستان	۴/۴۸	۶۹	۱۱
سوریه	۴/۲۸	۸۳	۱۲
مصر	۴/۱۹	۸۹	۱۳
ارمنستان	۴/۱۴	۹۴	۱۴
لبنان	۳/۸۷	۱۰۶	۱۵
تاجیکستان	۳/۷۴	۱۱۲	۱۶
قرقیزستان	۳/۵۹	۱۲۰	۱۷
پاکستان	۳/۳۹	۱۳۲	۱۸
کارایی			
کشور	امتیاز	رتبه در جهان	رتبه در منطقه
امارات متحده عربی	۴/۸۲	۲۱	۱
قطر	۴/۶۸	۲۶	۲
عربستان صعودی	۴/۶۷	۲۷	۳
بحرین	۴/۵۴	۳۳	۴
عمان	۴/۳	۴۸	۵
ترکیه	۴/۱۸	۵۵	۶
کویت	۴/۰۳	۶۸	۷
لبنان	۴	۷۰	۸
قزاقستان	۴	۷۱	۹
اردن	۳/۹۸	۷۳	۱۰
آذربایجان	۳/۹۷	۷۵	۱۱
مصر	۳/۸۵	۸۲	۱۲
ایران	۳/۷۶	۹۰	۱۳
پاکستان	۳/۶۶	۹۵	۱۴
ارمنستان	۳/۵۱	۱۰۶	۱۵
قرقیزستان	۳/۴۴	۱۱۱	۱۶
سوریه	۳/۳۸	۱۱۷	۱۷

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

ادامه جدول ۲.

تاجیکستان	۳/۲۵	۱۲۳	۱۸
نوآوری			
کشور	امتیاز	رتبه در جهان	رتبه در منطقه
قطر	۴/۴۸	۲۳	۱
عربستان صعودی	۴/۴۱	۲۶	۲
امارات متحده عربی	۴/۳۷	۲۷	۳
عمان	۳/۸۷	۴۷	۴
بحرین	۳/۶۷	۵۵	۵
ترکیه	۳/۶۳	۵۷	۶
کویت	۳/۵۷	۶۰	۷
اردن	۳/۵	۶۵	۸
آذربایجان	۳/۵	۶۶	۹
مصر	۳/۴۸	۶۸	۱۰
لبنان	۳/۴۱	۷۴	۱۱
پاکستان	۳/۳۸	۷۶	۱۲
ایران	۳/۳۴	۸۲	۱۳
قزاقستان	۳/۱۴	۱۰۲	۱۴
ارمنستان	۲/۹۸	۱۱۴	۱۵
سوریه	۲/۹۷	۱۱۵	۱۶
تاجیکستان	۲/۹۶	۱۱۸	۱۷
قرقیزستان	۲/۵۸	۱۳۷	۱۸

مأخذ: The Global Competitiveness Report, 2010–2011, P. 9.

جدول ۳. نسبت امتیاز در محورهای سه‌گانه رقابت‌پذیری

کشور	نسب مجموع امتیاز کارایی و نوآوری به امتیاز برخورداری	نسب امتیاز کارایی به امتیاز برخورداری از نیازمندی‌ها
امارات متحده عربی	-۰/۴	-۰/۶
قطر	-۰/۳	-۰/۷
بحرین	-۱	-۰/۶
عمان	-۰/۹	-۱

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

ادامه جدول ۳.

عربستان صعودی	۰/۴	۰
کویت	−۱/۱	−۱/۲
اردن	−۰/۳	−۰/۳
آذربایجان	−۰/۳	−۰/۳
ایران	−۰/۶	۷/−۰
ترکیه	۰/۶	۰/۷
قزاقستان	−۰/۳	۰/۲
سوریه	−۱/۱	−۱/۱
مصر	۰/۷	۰/۵
ارمنستان	−۰/۵	−۰/۴
لبنان	۱/۸	۲/۰
تاجیکستان	۰/۱	−۰/۱
قرقیزستان	۰/۲	۱
پاکستان	۲/۹	۲/۶

مأخذ: The Global Competitiveness Report, 2010–2011, P. 9.

۶. تحلیل موقعیت رقابت‌پذیری ایران در بین کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا

شاخص‌های ارائه شده در هریک از محورهای رقابت‌پذیری براساس نمودار (۱) به طور یکسان بر رقابت‌پذیری مؤثر نیستند. از این رو، وزن‌های بکار گرفته شده برای شاخص‌ها در یک کشور متفاوت از کشور دیگر بوده و به اختلاف در مراحل توسعه‌یافتگی وابسته است.

براساس تئوری‌های اقتصادی[۱]، کشورهایی که در مراحل اولیه توسعه خود قرار دارند براساس محور اولیه یعنی برخورداری از نیازمندی‌های اساسی (منابع‌طبیعی و کارگران ساده) به ارتقاء رقابت‌پذیری نائل می‌شوند. بنگاه‌ها در فروش کالاهای اساسی با بهره‌وری و مزد پایین رقابت می‌کنند و حفظ رقابت‌پذیری در این مرحله از توسعه به عملکرد خوب دولت، نهادهای خصوصی، ثبات‌کلان اقتصادی، زیرساخت‌ها و بهداشت و آموزش اولیه وابسته است. به عبارتی، در این حالت درجه رقابت‌پذیری صرفاً براساس نظریه سنتی مزیت اندازه‌گیری می‌شود.

۱. مراحل توسعه در گزارش مجمع جهانی بر اساس نظریه پورتر (۱۹۹۰) ارائه شده است. برای مطالعه بیشتر به مأخذ ذیل مراجعه شود. The Global Competitiveness 2008-2007, chapter 1.1, Report

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

همچنان‌که درجه رقابت‌پذیری کشورها بالا می‌رود، بهره‌وری و دستمزد همراه با توسعه کشور افزایش می‌یابد و کشورها به سمت مرحله‌ای از توسعه که مبتنی بر ارتقاء کارایی است قدم می‌گذارند. در این مرحله قدرت رقابت‌پذیری براساس آموزش عالی (شاخص ترکیبی ۵)، کارایی بازار کالا (شاخص ترکیبی ۶)، توسعه بازار مالی (شاخص ترکیبی ۸)، توانایی در انتفاع از تکنولوژی‌های موجود (شاخص ترکیبی ۹) و بهره‌مندی از بازار بزرگ (شاخص ترکیبی ۱۰) سنجیده می‌شود. چنانچه ملاحظه می‌شود این عوامل به مواردی اشاره دارد که موجب ایجاد مزیت رقابتی است و به رابطه سیاست‌های دولت و تأثیر آنها بر عملکرد بنگاه‌ها اشاره دارد.

در نهایت، وقتی کشورها به مرحله‌ای از توسعه که در ارتباط با شاخص‌های نوآوری است می‌رسند افزایش دستمزدها و افزایش سطح استاندارد زندگی تنها به وسیله توانایی این کشورها در تولید کالاهای جدید و منحصر حاصل می‌شود. در این مرحله شرکت‌ها به منظور افزایش رقابت‌پذیری برای تولید کالای جدید و متفاوت با بکارگیری فرایندهای پیچیده (شاخص ترکیبی ۱۱) و از طریق نوآوری (شاخص ترکیبی ۱۲) اقدام می‌نمایند.

شاخص GCI مراحل توسعه کشورها را براساس وزن‌هایی که به محور سه‌گانه می‌دهند در نظر می‌گیرند به طوری که محور اول در ارتباط با نیازمندی‌های اساسی برای کشورهایی که در مرحله اولیه توسعه خود قرار دارند از وزن بالایی برخوردار می‌باشند. در حالی که این محور برای کشورهای توسعه‌یافته از وزن پایینی برخوردار است، لذا به منظور یافتن وزن محورها لازم است کشورها براساس مراحل توسعه طبقه‌بندی شوند که در گزارش رقابت‌پذیری جهانی این امر با استفاده از GDP سرانه صورت گرفته و کشورها به سه طبقه مطابق جدول (۴) تقسیم شده‌اند.

جدول ۴. وزن هر یک از محورهای سه‌گانه در کشورهای با مراحل مختلف در مراحل توسعه

(درصد)

محور / مراحل توسعه	برخورداری از نیازمندی‌ها	کارایی	نوآوری	سرانه
مرحله پایین توسعه	۶۰	۳۵	۵	کمتر از ۲۰۰۰ دلار
مرحله میانی توسعه	۴۰	۵۰	۱۰	بین ۲۰۰۰ و ۹۰۰۰ دلار
مرحله توسعه‌یافتگی	۲۰	۵۰	۳۰	بیش از ۱۷۰۰۰ دلار

مأخذ: The Global Competitiveness Report, 2010–2011, P. 9.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

شایان ذکر است در گزارش جهانی رقابت‌پذیری، علاوه بر کشورهای واقع در مراحل سه‌گانه توسعه برخی از کشورها نیز بین مراحل اول و دوم، دوم و سوم قرار دارند که دراین خصوص وزن‌ها براساس فاصله آنها از مراحل مختلف به تناسب محاسبه و منظور شده است (به این کشورها، کشورهای در مرحله گذار اطلاق شده است).

وزن‌های برآوردشده درگزارش مجمع جهانی اقتصاد براساس مدلی می‌باشد که درآن GDP سرانه کشورها بر ارقام محورهای سه‌گانه برای هر گروه از کشورها به صورت جداگانه رگرس شده است (سالا، ۲۰۱۰). پایه و مبنای این مدل با توجه به تعریف رقابت‌پذیری که از سوی مجمع جهانی اقتصاد صورت گرفته و در آن رشد درآمد سرانه به عنوان رقابت‌پذیری از طریق مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عوامل (که در قالب محور برخورداری از نیازمندی‌ها، کارایی و نوآوری در گزارش جهانی رقابت‌پذیری ارائه شده) حاصل می‌شود، ارائه شده است. در مدل ارائه شده که در آن درآمد سرانه بر محورهای سه‌گانه برخورداری از نیازمندی‌ها، کارایی، نوآوری برای هریک از کشورهای توسعه‌نیافته، درحال‌توسعه و توسعه‌یافته به طور جداگانه رگرس شده است در واقع تلاش شده است که میزان تأثیر هر یک از محورها بر رقابت‌پذیری (طبق تعریف رشد درآمد سرانه) برای کشورهای توسعه‌نیافته، در حال‌توسعه و توسعه‌یافته به طور جداگانه مشخص شود. در نهایت، پس از محاسبه وزن‌ها شاخص GCI برای هر کشور به صورت ذیل ارائه شده است.

$$GCI_{ij} = W_{j1}(b) + W_{j2}(eff) + (1 - W_{j1} - W_{j2})(inova) \qquad (۱)$$

که در آن، inova , eff , b به ترتیب در ارتباط با محورهای نیازمندی‌های اساسی، کارایی و نوآوری می‌باشند. اندیس I و J به ترتیب برای نشان دادن کشور و مرحله توسعه است.

در محاسبه محورهای نیازمندی‌ها، کارایی و نوآوری از شاخص‌های کیفی و کمی استفاده شده است. اندازه‌گیری شاخص‌های کیفی براساس مقیاس فاصله‌ای بوده و دامنه ۱ تا ۷ را شامل می‌شود. پس از تعیین هر شاخص برای کشورها، متوسط شاخص‌ها در هر محور به صورت میانگین ساده محاسبه شده و به عنوان امتیاز و شاخص ترکیبی در محور مرتبط با شاخص‌ها برای هر کشور ارائه گردیده است.

یکی از موضوعاتی که در بحث سنجش رقابت‌پذیری می‌تواند مطرح شود، موقعیت کشورها به لحاظ جغرافیایی از همدیگر می‌باشد. این پارامتر، ارتباط کشورها را از ابعاد مختلف تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. از سویی، هرچند سنجش رقابت‌پذیری براساس بهره‌وری و رشد پایدار درآمد سرانه است، اما

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

چارچوب اصلی آن در ادامه مباحث مزیت و تجارت بین‌الملل شکل گرفته و چنانچه در مقدمه نیز به آن اشاره شد تجارت یکی از عوامل مؤثر بر رشد و بهره‌وری است، لذا سنجش رقابت‌پذیری در حوزه گروهی از کشورها که در همسایگی هم قرار دارند مفید به نظر می‌رسد.

براین اساس و باتوجه به تأکید سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در خصوص جایگاه اول اقتصادی در بین کشورهای منطقه، در این قسمت تلاش شده درجه رقابت‌پذیری بین کشورهای منطقه بدون لحاظ‌نمودن سایر کشورها برآورد شود. از آنجایی‌که مفهوم و تعاریف صورت‌گرفته از رقابت‌پذیری به رشد مستمر بهره‌وری و یا پایدار تولید ناخالص داخلی تأکید دارد، در این بخش سعی شد رابطه بین محورها و لگاریتم درآمد سرانه در قالب اطلاعات سری زمانی بین کشورهای مذکور مورد مطالعه قرار گیرد، اما به دلیل اینکه برخی از کشورهای مورد بررسی در سال‌های اخیر در لیست گزارش مجمع جهانی قرار گرفته‌اند و اطلاعات سال‌های قبل در خصوص آنها وجود ندارد سه سال ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و۲۰۰۹ در این مطالعه مدنظر قرار گرفت.

به منظور انجام این امر اطلاعات مربوط به محورهای سه‌گانه از گزارش مجمع جهانی اقتصاد برای کشورهای منطقه مطابق جدول (۲) مدنظر قرار گرفت. چنانچه قبلاً ذکر گردید، وزن هر یک از محورهای سه‌گانه در رقابت‌پذیری کشورها مطابق رویکرد مجمع جهانی اقتصاد از رگرس‌نمودن درآمد سرانه هر یک از کشورها بر امتیازات کسب شده در محورهای مورد اشاره در سال ۲۰۰۹ حاصل شد. در این مطالعه نیز درآمد سرانه کشورهای منطقه بر امتیازات سه محور یاد شده طی سه سال (۲۰۰۹-۲۰۰۷) برای ۱۸ کشورر منطقه جنوب غرب آسیا رگرس می‌شود. آزمون F بر استفاده از آثار ثابت مقطعی و زمانی در مدل پانل دیتا تأکید دارد و این در حالی است که آزمون هاسمن نیز شواهد کافی در خصوص استفاده از اثرات تصادفی ارائه نمی‌دهد، اما نتایج حاصل از برآورد مدل براساس اثرات تصادفی از جمله نسبت واریانس اثرات ثابت تصادفی به کل واریانس جمله خطا (Rho=.95)، کاهش مجموع مربعات خطا، تفاوت ضرایب برآوردشده و آماره دوربین- واتسون بر تصریح بهتر مدل براساس اثرات تصادفی برای مقاطع اشاره دارد. علاوه بر نتایج آماری مذکور، از آنجایی که به ازای برخورداری از شرایط اولیه در هر کشور راهکارهای متفاوتی پیش‌روی سیاستگذاران به منظور ارتقاء رقابت‌پذیری وجود دارد و هر کشوری بنا به ساختار فرهنگی ،اجتماعی، مذهبی،روابط و مناسبات خود و ... استراتژی‌های خاص خود را انتخاب می‌نماید احتمال اینکه آثار مقاطع مورد بررسی به صورت تصادفی بوده و با سایر متغیرهای توضیحی مرتبط نباشند، زیاد است. براین اساس، آثار تصادفی در مقاطع و آثار ثابت زمانی به منظور حذف تأثیر شوک‌هایی که در زمان‌های متفاوت بر کشورها منطقه

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

وارد می‌شوند بکار گرفته شد و مدل (۱) به شرح ذیل برآورد گردید (خروجی نرم‌افزار در پیوست ارائه شده است)که براساس آماره‌های ارائه شده معنادار می‌باشد. در مدل برآورد شده y, BC, EFF به ترتیب درآمد سرانه برخورداری از نیازمندی‌ها وکارایی می‌باشند.

مدل (۱) $Log(y) = 3.46 + .88*BC + .32*EFF$

(6.4) (3.18)

R^2=63٪ F=20.6 prob (F) =.000 D.W=1.54

براساس ضرایب برآوردشده حاصل از بکارگیری مدل اثرات تصادفی، وزن محورهای برخورداری از نیازمندی‌ها و کارایی به ترتیب ۷۴ درصد و ۲۶ درصد می‌باشد.[۱] ضریب برآوردشده محور نوآوری در این مدل معنادار نمی‌باشدکه به عدم تأثیر این محور بر رقابت‌پذیری در کشورهای مورد بررسی اشاره دارد. وزن‌های بدست آمده برای محورها در این مدل با وزن‌های حاصل شده از مطالعه مجمع جهانی اقتصاد برای کشورهای درحال‌توسعه (محور نیازمندی‌ها (۶۰ درصد)، محور کارایی (۳۵ درصد) و محور نوآوری (۵ درصد)) تناسب دارد. براساس این مدل، رتبه ایران در منطقه جنوب غرب آسیا (۱۸ کشور منطقه) ۱۰ می‌باشد (جدول ۵) که مطابق گزارش مجمع جهانی اقتصاد است، اما نکته حائز اهمیت درکشورهای منطقه جنوب غرب آسیانسبت به سایر کشورهای درحال‌توسعه،وجود درآمدهای نفتی در بسیاری از کشورهای منطقه مورد بررسی است.

با عنایت به اینکه یکی از محورهای شاخص رقابت‌پذیری در ارتباط با میزان برخورداری از نیازمندی‌های اساسی و امکانات اولیه از جمله زیرساخت‌ها، بهداشت و آموزش و ... است، وجود منابع مالی برای ایجاد چنین امکاناتی حائز اهمیت می‌باشد. این درحالی است که بسیاری از کشورهای مورد بررسی در این مطالعه دارای درآمدهای نفتی هستند که امکان داشتن نیازمندی‌های اولیه را برای آنها فراهم می‌کند، لذا وجود درآمدهای نفتی در بسیاری از کشورهای مورد بررسی و عدم وجود چنین درآمدهایی در سایر کشورها این پرسش‌ها را مطرح می‌کند که:

الف) آیا امکان بهره‌گیری از چنین درآمدهایی باعث می‌شود که کشورهای نفتی موقعیت رقابت‌پذیری خود را بهبود بخشند؟

ب) در صورت پاسخ مثبت به پرسش قبل کشورهای غیرنفتی در غیاب چنین درآمدهایی چگونه سطح رقابت‌پذیری خود را در مقایسه با کشورهای نفتی ارتقاء می‌دهند؟ و برخورداری از نیازمندی‌ها

۱. از طریق نرمال کردن ضرایب متغیرها به یک حاصل می‌شود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

در این کشورها آیا به میزانی است که به ارتقاء رقابت‌پذیری آنها در مقابل کشورهای نفتی کمک کند؟ یا اینکه کشورهای مذکور با اتکاء به سایر محورها (غیر از محور برخورداری از نیازمندی‌ها) به ارتقاء رقابت‌پذیری در مقابل کشورهای نفتی می‌پردازند؟

با وارد نمودن متغیر درآمد نفت به صورت متغیر مجازی (Doil) برای کشورهای صادرکننده نفت مدل (۲) به این شرح حاصل می‌شود (خروجی نرم‌افزار مربوط به مدل (۲) در پیوست ارائه شده است):

مدل (۲)

$$Log(y) = 4.41 + .57*BC + .32*EFF + 1.1*Doil$$

(3.51) (3.21) (3.7)

R^2=68٪ F=20.5 prob (F) =.000 D.W=1.44

تخمین مدل (۲) نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی نقش مثبت و معناداری بر رقابت‌پذیری دارد که در واقع پاسخ به سوال (الف) می‌باشد. مقایسه مدل‌های (۱) و (۲) نشان می‌دهد با وارد نمودن متغیر مجازی نفت، رقم ضریب محور کارایی تغییری نمی‌کند اما ضریب متغیر برخورداری از نیازمندی‌ها اساسی به میزان قابل‌توجهی کاهش می‌یابد (از ۰/۸۸ به ۰/۵۶) که نشان می‌دهد کشورهای نفتی با استفاده از درآمدهای نفت تنها به تقویت زیرساخت‌ها و شرایط اولیه خود پرداخته (و از این طریق درآمدهای نفتی بر قدرت رقابت‌پذیری آنها تأثیر گذاشته است) و کارایی این کشورها حداقل به طور مستقیم تحت تأثیر درآمدهای نفتی نبوده است.

با توجه به نتیجه فوق و بررسی صورت گرفته در بخش چهارم این مطالعه در خصوص رتبه و امتیاز رقابت‌پذیری کشورها چنین استدلال می‌شود که کشورهای نفتی با اتکاء به محور نیازمندی‌ها و کشورهای غیرنفتی با اتکاء بر محور کارایی به رقابت‌پذیری در مقایسه با سایر کشورها پرداخته‌اند. برای آزمون این فرضیه مدل (۳) براساس مدل (۱) و نتیجه مدل (۲) می‌تواند به شرح ذیل مورد استفاده قرار گیرد:

مدل (۳)

$$Log(y) = 3.8 + .99*BC*Doil + .9*(1-Doil)*eff + .22*EFF$$

4.8) (3.3) (2)

R^2=71٪ F=23.6 prob (F) =.000 D.W=1.73

از آنجایی که متغیر موهومی درآمد نفتی (Doil) برای کشورهای نفتی رقم یک و برای کشورهای غیرنفتی رقم صفر است. متغیر BC*Doil و (1-Doil)*eff درمدل (۳) به ترتیب نشان‌دهنده محور کارایی در کشورهای غیرنفتی و محور نیازمندی‌ها در کشور نفتی است. معناداری این متغیرها در

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

مدل (۳) نشان می‌دهد که محور کارایی در کشورهای غیرنفتی و محور نیازمندی‌ها در کشور نفتی نقش مؤثری بر رقابت‌پذیری این کشورها دارند، اما این پرسش مطرح می‌شود که آیا محور دیگر در هر یک از کشورها به عنوان مثال محور کارایی در کشورهای نفتی بر رقابت‌پذیری مؤثر نیست؟

برای این منظور، دو محور کارایی eff و BC نیز در طرف راست مدل ارائه شده‌اند، اما به دلیل معنادار نبودن محور نیازمندی‌ها BC تنها محور کارایی eff در مدل(۳) ارائه شده است که دارای ضریب کوچکتری نسبت به مدل‌های (۱) و(۲) است.[۱]

معنادار بودن محور کارایی (با ضریب کوچک) در مدل (۳) به معنای تأثیرات محور کارایی بر رقابت‌پذیری در کشورهای نفتی است، اما ضریب کوچک محور کارایی eff در این رگرسیون نسبت به دومدل (۱) و (۲) حاکی از نقش مؤثرتر برخورداری از نیازمندی‌ها بر رقابت‌پذیری در کشورهای نفتی می‌باشد. همچنین، بر اساس این توضیحات معنادار نبودن BC در مدل (۳) حاکی از اتکاء کشورهای غیرنفتی به محور کارایی در ارتقاء رقابت‌پذیری در مقابل کشورهای نفتی است.

استفاده از ضرایب حاصل‌شده برای متغیرها و محاسبه درجه رقابت‌پذیری رتبه ۷ را برای ایران در بین کشورهای منطقه جنوب‌غرب آسیا ارائه می‌دهد (جدول ۶) که نسبت به رقم ارائه‌شده توسط مجمع جهانی موقعیت بهتری بوده، اما همچنان شکاف موقعیت فعلی با اهداف سند چشم‌انداز (جایگاه اول در منطقه) را مورد تأکید قرار می‌دهد.

یکی از موضوعاتی که در بسیاری از موارد مورد سؤال می‌باشد، برآورد موقعیت رقابت‌پذیری کشورهای نفتی بدون درنظرگرفتن تأثیر درآمدهای نفتی بر ارتقاء درآمد سرانه می‌باشد. برای این منظور، درجه رقابت‌پذیری بدون در نظر گرفتن ضریب برآورد شده اثر تقاطعی (Doil*Bc) در مدل

---

۱. در واقع اگر متغیرهای BC*Doil و eff*(1-Doil) در مدل (۳) به سمت چپ مدل منتقل شده و از متغیر وابسته کم شوند عبارت (R) به صورت روبروحاصل می‌شود: Log(y) - α*BC*Doil - β*(1-Doil)*eff (R)
از آنجایی که براساس مدل (۱) تنها دو محور کارایی و برخورداری از نیازمندی‌ها بر رقابت‌پذیری کشورها مؤثر هستند و در عبارت R اثر محور کارایی از رقابت‌پذیری کشورهای غیرنفتی و اثر محور نیازمندی‌ها از رقابت‌پذیری کشورهای نفتی کم شده است، پس عبارت R نشان‌دهنده رقابت‌پذیری کشورهای نفتی ناشی از تغییرات محور کارایی و رقابت‌پذیری کشورهای غیرنفتی ناشی از تغییرات محور نیازمندی‌ها است. مدل (۳) در واقع عبارت R را بر دو محور کارایی eff و BC رگرس کرده است، اما به دلیل معنادار نبودن محور نیازمندی‌ها BC در مدل (۳) تنها محور کارایی eff ارائه شده است که دارای ضریب کوچکتری نسبت به مدل‌های (۱) و (۲) است. معنادار بودن محور کارایی (با ضریب کوچک)در این رگرسیون به معنای تأثیرات محور کارایی بر رقابت‌پذیری در کشورهای نفتی است چرا که عبارت R پسماند رقابت‌پذیری حاصل از حذف تغییرات رقابت‌پذیری ناشی از محور کارایی از کشورهای غیرنفتی است و لذا تغییرات عبارت R ناشی از محور کارایی تنها برای کشورهای نفتی ارائه شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

(۳) محاسبه گردید. در این شرایط رتبه رقابت‌پذیری ایران ۱۸ می‌باشد که اتکاء ایران به درآمدهای نفتی را حتی بیش از سایر کشورهای نفتی منطقه خاطر نشان می‌سازد. با مروری بر مطالب فوق یکی از دلایل این موضوع از میزان اثرات غیرمستقیم درآمدهای نفتی بر کارایی ناشی می‌شود.

چنانچه پیش از این اشاره شد، درآمد نفتی در کشورهای صادرکننده نفت از طریق محور برخورداری از نیازمندی‌ها بر رقابت‌پذیری تأثیر می‌گذارد از سویی در مزیت رقابتی بالا محور کارایی متأثر از محور برخورداری از نیازمندی‌ها است. رتبه آخر حاصل‌شده برای ایران با حذف اثر تقاطعی (Doil*Bc) ناشی از آن است که ایران از سطح مزیت رقابتی ضعیفی در مقایسه با سایر کشورها برخوردار است به منظور دقت بیشتر شاخص‌های ترکیبی تشکیل‌دهنده محور نیازمندی در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در جدول (۷) رتبه‌بندی کشورهای منطقه براساس شاخص‌های ترکیبی محور نیازمندی که شامل نهادها، زیرساخت‌ها، ثبات محیط کلان اقتصادی و بهداشت و آموزش اولیه می‌باشد، ارائه شده است. چنانچه از جدول ملاحظه می‌شود رتبه ایران در شاخص‌های مذکور به ترتیب ۱۲، ۱۰، ۹، ۵ می‌باشد. نکته حائز اهمیت در ارتباط این شاخص‌ها با محور کارایی است یعنی کدام یک پس از محور نیازمندی به ارتقاء محور کارایی می‌انجامد؟ برای این منظور ماتریس ضرایب همبستگی بین عناصر محور نیازمندی و محور کارایی و نوآوری در جدول (۸) ارائه شده است. چنانچه ملاحظه می‌شود شاخص ترکیبی آموزش و بهداشت اولیه ارتباط کمرنگی با دو محور یاد شده داشته، اما سه شاخص ترکیبی دیگر به‌ویژه شاخص ترکیبی زیرساخت‌ها با محور کارایی و شاخص ترکیبی نهادها با محور نوآوری دارای همبستگی بالایی می‌باشند. این نتیجه‌گیری به پرسش ما در این خصوص که چرا ایران با وجود برخورداری بالا از نیازمندی‌ها در محور کارایی و نوآوری پایین می‌باشد، پاسخ می‌دهد چرا که کشور ما آن قسمت از نیازمندی‌ها (آموزش و بهداشت اولیه) را برخوردار است که ارتباط ضعیفی با محور کارایی و نوآوری دارد.

نکته دیگر، ارتباط قوی بین محور کارایی و نوآوری است (با ضریب همبستگی ۹۲ درصد) که نشان می‌دهد نوآوری حاصل ارتقاءکارایی است به همین دلیل می‌توان گفت که پایین بودن امتیاز کارایی در ایران کاهش امتیاز در نوآوری را نیز سبب شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

جدول ۵. موقعیت رقابت‌پذیری کشورهای جنوب غرب آسیا براساس مدل (۱)

کشور	امتیاز برخورداری از نیازمندی	امتیاز کارایی	امتیاز نوآوری	امتیاز برآورد شده	رتبه برآورد شده
امارات متحده‌عربی	۵/۸۲	۴/۸۲	۴/۳۷	۵/۵۶	۱
قطر	۵/۷۳	۴/۶۸	۴/۴۸	۵/۴۶	۲
بحرین	۵/۴۸	۴/۵۴	۳/۶۷	۵/۲۴	۳
عربستان صعودی	۵/۳۲	۴/۶۷	۴/۴۱	۵/۱۵	۴
عمان	۵/۴۱	۴/۳۰	۳/۸۷	۵/۱۲	۵
کویت	۵/۱۶	۴/۰۳	۳/۵۷	۴/۸۷	۶
اردن	۴/۶۷	۳/۹۸	۳/۵۰	۴/۴۹	۷
آذربایجان	۴/۶۷	۳/۹۷	۳/۵۰	۴/۴۹	۸
ترکیه	۴/۴۹	۴/۱۸	۳/۶۳	۴/۴۱	۹
ایران	۴/۵۸	۳/۷۶	۳/۳۴	۴/۳۷	۱۰
قزاقستان	۴/۴۸	۴	۳/۱۴	۴/۳۶	۱۱
مصر	۴/۱۹	۳/۸۵	۳/۴۸	۴/۱۰	۱۲
سوریه	۴/۲۸	۳/۳۸	۲/۹۷	۴/۰۵	۱۳
ارمنستان	۴/۱۴	۳/۵۱	۲/۹۸	۳/۹۸	۱۴
لبنان	۳/۸۷	۴	۳/۴۱	۳/۹۰	۱۵
تاجیکستان	۳/۷۴	۳/۲۵	۲/۹۶	۶۱/۳	۱۶
قرقیزستان	۳/۵۹	۳/۴۴	۲/۵۸	۳/۵۵	۱۷
پاکستان	۳/۳۹	۳/۶۶	۳/۳۸	۳/۴۶	۱۸

مأخذ: The Global Competitiveness Report, 2010–2011, P. 9.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

جدول ۶. موقعیت رقابت‌پذیری کشورهای جنوب غرب آسیا براساس مدل (۳)

کشور	امتیاز برخورداری از نیازمندی	امتیاز کارایی	امتیاز نوآوری	متغیر مجازی نفت	امتیاز برآورد شده	رتبه برآورد شده
امارات متحده‌عربی	۵/۸۲	۴/۸۲	۴/۳۷	۱	۳/۳۲	۱
قطر	۵/۷۳	۴/۶۸	۴/۴۸	۱	۳/۲۷	۲
بحرین	۵/۴۸	۴/۵۴	۳/۶۷	۱	۳/۱۳	۳
عمان	۵/۴۱	۴/۳۰	۳/۸۷	۱	۳/۰۷	۴
عربستان صعودی	۵/۳۲	۴/۶۷	۴/۴۱	۱	۳/۰۷	۵
کویت	۵/۱۶	۴/۰۳	۳/۵۷	۱	۲/۹۲	۶
ایران	۴/۵۸	۳/۷۶	۳/۳۴	۱	۲/۶۱	۷
مصر	۴/۱۹	۳/۸۵	۳/۴۸	۱	۲/۴۳	۸
ترکیه	۴/۴۹	۴/۱۸	۳/۶۳	۰	۲/۲۶	۹
قزاقستان	۴/۴۸	۴	۳/۱۴	۰	۲/۱۶	۱۰
لبنان	۳/۸۷	۴	۳/۴۱	۰	۲/۱۶	۱۱
اردن	۴/۶۷	۳/۹۸	۳/۵۰	۰	۲/۱۵	۱۲
آذربایجان	۴/۶۷	۳/۹۷	۳/۵۰	۰	۲/۱۴	۱۳
پاکستان	۳/۳۹	۳/۶۶	۳/۳۸	۰	۱/۹۸	۱۴
ارمنستان	۴/۱۴	۳/۵۱	۲/۹۸	۰	۱/۹۰	۱۵
قرقیزستان	۳/۵۹	۳/۴۴	۲/۵۸	۰	۱/۸۶	۱۶
سوریه	۴/۲۸	۳/۳۸	۲/۹۷	۰	۱/۸۳	۱۷
تاجیکستان	۳/۷۴	۳/۲۵	۲/۹۶	۰	۱/۷۶	۱۸

مأخذ: The Global Competitiveness Report, 2010–2011, P. 9

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

جدول ۷. رتبه‌بندی کشورهای منطقه براساس شاخص‌های ترکیبی محور برخورداری از نیازمندی‌ها

نهادها			زیرساخت‌ها		
کشور	امتیاز	رتبه در منطقه	کشور	امتیاز	رتبه در منطقه
قطر	۵/۵۵	۱	امارات متحده عربی	۶/۲۶	۱
عمان	۵/۳۷	۲	قطر	۵/۲۴	۲
امارات متحده‌عربی	۵/۲۵	۳	بحرین	۵/۰۸	۳
عربستان صعودی	۵/۲۲	۴	عربستان صعودی	۵/۰۷	۴
بحرین	۵/۰۲	۵	عمان	۴/۹۴	۵
اردن	۴/۶۴	۶	ترکیه	۴/۲۱	۶
کویت	۴/۴۵	۷	کویت	۴/۱۱	۷
مصر	۴/۰۳	۸	اردن	۴/۱۱	۸
آذربایجان	۳/۸۶	۹	مصر	۳/۹۷	۹
تاجیکستان	۳/۷۶	۱۰	ایران	۳/۷۵	۱۰
سوریه	۳/۷۶	۱۱	آذربایجان	۳/۶۹	۱۱
ایران	۳/۷۴	۱۲	قزاقستان	۳/۵۷	۱۲
ترکیه	۳/۶۱	۱۳	ارمنستان	۳/۴۶	۱۳
قزاقستان	۳/۵۸	۱۴	سوریه	۲/۸۸	۱۴
ارمنستان	۳/۵	۱۵	پاکستان	۲/۷۵	۱۵
پاکستان	۳/۳۴	۱۶	تاجیکستان	۲/۶۳	۱۶
لبنان	۳/۳	۱۷	لبنان	۲/۴۷	۱۷
قرقیزستان	۳/۰۱	۱۸	قیرقیزستان	۲/۴۷	۱۸
ثبات کلان اقتصادی			بهداشت و آموزش اولیه		
کشور	امتیاز	رتبه در منطقه	کشور	امتیاز	رتبه در منطقه
کویت	۶/۴۲	۱	قطر	۶/۴۳	۱
عمان	۶/۱۱	۲	بحرین	۶/۱۷	۲
قطر	۵/۷۱	۳	امارات متحده‌عربی	۶/۱۴	۳
بحرین	۵/۶۵	۴	لبنان	۶/۰۸	۴
امارات متحده‌عربی	۵/۶۵	۵	ایران	۵/۸۹	۵
آذربایجان	۵/۶۲	۶	سوریه	۵/۷۴	۶
عربستان صعودی	۵/۳۵	۷	اردن	۵/۷۳	۷
قزاقستان	۵/۲۷	۸	کویت	۵/۶۸	۸
ایران	۴/۶۹	۹	ترکیه	۵/۶۵	۹
سوریه	۴/۷۵	۱۰	عربستان صعودی	۵/۶۴	۱۰
ترکیه	۴/۴۷	۱۱	آذربایجان	۵/۵	۱۱
ارمنستان	۴/۲۳	۱۲	قزاقستان	۵/۴۸	۱۲
اردن	۴/۱۹	۱۳	مصر	۵/۴۲	۱۳
قرقیزستان	۳/۶۶	۱۴	ارمنستان	۵/۳۷	۱۴
لبنان	۳/۵۸	۱۵	تاجیکستان	۵/۳۲	۱۵
مصر	۳/۳۵	۱۶	عمان	۵/۲۲	۱۶
تاجیکستان	۳/۲۵	۱۷	قیرقیزستان	۵/۲۱	۱۷
پاکستان	۳/۱۹	۱۸	پاکستان	۴/۲۷	۱۸

مأخذ: The Global Competitiveness Report, 2010–2011, P. 9.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

جدول ۸. ضرایب همبستگی بین شاخص‌های ترکیبی محور نیازمندی و محور کارایی و نوآوری

ماتریس همبستگی	نهادها	زیرساخت‌ها	ثبات‌محیط کلان اقتصادی	بهداشت وآموزش اولیه	محور کارایی	محور نوآوری
نهادها	۱	۰/۸۹	۰/۶۹	۰/۴۹	۰/۷۹	۰/۸۲
زیرساخت‌ها	۰/۸۹	۱	۰/۷۰	۰/۵۱	۰/۸۴	۰/۷۹
ثبات‌محیط کلان اقتصادی	۰/۶۹	۰/۷۰	۱	۰/۴۶	۰/۷۸	۰/۶۹
بهداشت و آموزش اولیه	۰/۴۹	۰/۵۱	۰/۴۶	۱	۰/۵۰	۰/۳۸
کارایی محور	۰/۷۹	۰/۸۴	۰/۷۸	۰/۵۰	۱	۰/۹۲
محور نوآوری	۰/۸۲	۰/۷۹	۰/۶۹	۰/۳۸	۰/۹۲	۱

مأخذ: The Global Competitiveness Report, 2010–2011, P. 9.

۷. جمع‌بندی

نظریه‌های مزیت که طی دوره‌های گذشته به منظور تبیین شرایط تجارت بین‌المللی توسعه یافته‌اند بر فرایند رقابت متمرکز شده و رقابت‌پذیری را مطرح نموده‌اند. رقابت‌پذیری که از سوی سازمان‌ها و افراد مختلف تعریف و مورد سنجش قرار می‌گیرد به طور معمول به رشد مداوم بهره‌وری و مستمر درآمد سرانه در فرایند رقابت بین‌المللی بنگاه‌های داخلی و خارجی تأکید دارند.

ارائه شاخص رقابت‌پذیری توسط مجمع‌جهانی‌اقتصاد در قالب سه محور برخورداری از نیازمندی‌های اساسی، کارایی و نوآوری این فرصت را فراهم می‌نماید که موقعیت ایران در سطح جهانی و بین کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا (مورد نظر چشم‌انداز بیست ساله) قابل بررسی باشد. ارقام ارائه شده براساس این شاخص نشان می‌دهد علیرغم بالا بودن امتیاز برخورداری از نیازمندی‌های اساسی در سال ۲۰۱۰ شاخص‌های مرتبط با کارایی و نوآوری در ایران دارای امتیاز پایینی می‌باشد که با عنایت به عناصر ترکیبی محورها و مفهوم مزیت رقابتی بر کمرنگ بودن مزیت رقابتی در ایران تأکید دارد.

برآورد میزان رقابت‌پذیری براساس اطلاعات گزارش مجمع جهانی اقتصاد طی دوره سه ساله (۲۰۱۰-۲۰۰۷) برای کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا (حوزه مورد نظر در سند چشم‌انداز بیست ساله) و منظور نمودن آثار درآمد نفتی، رتبه رقابت‌پذیری ایران را در بین کشورهای مذکور از ۱۰ (براساس اعلام مجمع جهانی) به ۷ ارتقاء می‌دهد که در مقایسه با هدف منظور شده در سند چشم انداز رتبه پایینی می‌باشد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

مکانیزم تأثیرگذاری درآمدهای نفتی بر رقابت‌پذیری از طریق محور برخورداری از نیازمندی‌ها بوده و بر محور کارایی تأثیر کمتری دارد. حذف متغیر درآمدهای نفتی از مدل و رتبه‌بندی رقابت‌پذیری کشورهای مورد بررسی براساس ضرایب حاصل شده حاکی از آن است که ایران در خصوص رقابت‌پذیری بیش از سایر کشورها به درآمد نفتی وابسته می‌باشد.

تحلیل رابطه بین شاخص‌های ترکیبی محور برخورداری از نیازمندی‌ها و محورهای کارایی و نوآوری نشان می‌دهد که علیرغم اینکه امتیاز برخورداری از نیازمندی‌ها برای ایران نسبت به کشورهای مورد بررسی بالا است، اما ایران عناصری از نیازمندی‌ها (از جمله آموزش اولیه و بهداشت و درمان) را برخوردار است که تأثیر کمتری بر محور کارایی و نوآوری دارند از این‌رو تأثیر درآمدهای نفتی بر رقابت‌پذیری بسیار پایین می‌باشد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

منابع

خدادادکاشی، فرهاد (۱۳۸۱)، "دیدگاه‌های مختلف در مورد مفهوم و نظریه رقابت و تطبیق آن با وضعیت رقابت در بخش صنعت ایران"، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال هفتم، شماره ۵۱، پاییز.

حسینی، سید شمس‌الدین و مریم ملک محمدی (۱۳۸۶)، "سنجش مزیت نسبی و رقابتی صنعت چرم ایران در بازار جهانی"، *فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی*، شماره ۴۴.

توتونچیان، ایرج و مینا مهرنوش (۱۳۸۸)، "رقابت‌پذیری دانش محور در ایران"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال نهم، شماره اول، بهار.

پژویان، جمشید و مرجان فقیه‌نصیری (۱۳۸۸)، "اثر رقابت‌مندی بر رشد اقتصادی با رویکرد الگوی رشد درون‌زا"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال سیزدهم، شماره ۳۸، بهار.

Sala-I-Martin, Xavier (2010), "Executive Summary; The Comprtitiveness Report", World Economic Forum.

World Economic Forum, Global Competitveness Report 2007-2011.

Porter, Micheal E. (1990), The Competitive Advantage of Nation, Harvard University.

Bowen H. & W. Moesen (2005), "Benchmarking the Competitveness of Nations: Non-Uniform Weighting and Non-Economic Dimensions: Vlerick Leuven Gent Working", Paper Seres 2005/2.

Kaderabkova, A. (2005), "The LIsbon Strategy Challenges to the Czech Republic Human Resources", *Europan Journal of Education*, Vol. 40, No. 3.

Isaksoson A. (2007), "Determinnts of Total Factor Productivity; ALiterature Review", United Nations Industrial Development Organization (UNIDO), July.

Ross, T. (1988), "Movements Towards Free Trade and Domestic Market Pperformance with Imperfect Competition", *Canadian Journal of Economics*, XXI, No. 3.

OECD (1996), *Industrial Competitiveness*, OECD, Paris.

Iternational Institute of Management Development (2003), *World Competitiveness Yearbook*.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

پیوست

خروجی نرم‌افزار مربوط به مدل (۱)

Dependent Variable: LOG(Y?)
Method: Pooled EGLS (Cross-section random effects)
Date: 05/18/11 Time: 04:22
Sample: 2007 2009
Included observations: 3
Cross-sections included: 18
Total pool (balanced) observations: 54
Swamy and Arora estimator of component variances

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	3.47	0.59	5.93	0.00
BC?	0.88	0.14	6.39	0.00
EFF?	0.32	0.10	3.18	0.00
Random Effects (Cross)				
1--C	0.76			
2--C	1.31			
3--C	0.50			
4--C	0.17			
5--C	0.25			
6--C	1.50			
7--C	-0.73			
8--C	-0.34			
9--C	0.41			
10--C	0.31			
11--C	-0.28			
12--C	-0.82			
13--C	0.71			
14--C	-0.60			
15--C	-0.14			
16--C	-1.20			
17--C	-0.89			
18--C	-0.92			
Fixed Effects (Period)				
2007--C	-0.17			
2008--C	0.13			
2009--C	0.04			

Effects Specification

	S.D.	Rho
Cross-section random	0.51	0.98
Period fixed (dummy variables)		
Idiosyncratic random	0.08	0.02

Weighted Statistics

R-squared	0.63	Mean dependent var	8.78
Adjusted R-squared	0.60	S.D. dependent var	0.17
S.E. of regression	0.11	Sum squared resid	0.58
F-statistic	20.51	Durbin-Watson stat	1.54
Prob(F-statistic)	0.00		

Unweighted Statistics

R-squared	0.70	Mean dependent var	8.78
Sum squared resid	32.42	Durbin-Watson stat	0.03

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

خروجی نرم‌افزار مربوط مدل (۲)

Dependent Variable: LOG(Y?)
Method: Pooled EGLS (Cross-section random effects)
Date: 05/18/11 Time: 16:15
Sample: 2007 2009
Included observations: 3
Cross-sections included: 18
Total pool (balanced) observations: 54
Swamy and Arora estimator of component variances

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	4.41334	0.634458	6.95608	0
BC?	0.566075	0.161028	3.515371	0.001
EFF?	0.325982	0.101272	3.21888	0.0023
DOIL?	1.098785	0.296733	3.70294	0.0005
Random Effects (Cross)				
1--C	0.52624			
2--C	1.031947			
3--C	0.161523			
4--C	-0.228255			
5--C	-0.11656			
6--C	1.063066			
7--C	-0.187307			
8--C	0.151246			
9--C	0.844171			
10--C	0.726875			
11--C	-0.897176			
12--C	-1.540785			
13--C	0.966205			
14--C	-0.190542			
15--C	0.20018			
16--C	-1.009289			
17--C	-0.744013			
18--C	-0.757527			
Fixed Effects (Period)				
2007--C	-0.153393			
2008--C	0.11709			
2009--C	0.036303			

Effects Specification

	S.D.	Rho
Cross-section random	0.530824	0.978
Period fixed (dummy variables)		
Idiosyncratic random	0.079639	0.022

Weighted Statistics

R-squared	0.681441	Mean dependent var	8.781689
Adjusted R-squared	0.648257	S.D. dependent var	0.168502
S.E. of regression	0.099935	Sum squared resid	0.479375
F-statistic	20.53568	Durbin-Watson stat	1.436426
Prob(F-statistic)	0		

Unweighted Statistics

R-squared	0.706284	Mean dependent var	8.781689
Sum squared resid	31.30171	Durbin-Watson stat	0.021998

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

خروجی نرم افزار مربوط به مدل (۳)

Dependent Variable: LOG(Y?)
Method: Pooled EGLS (Cross-section random effects)
Date: 05/22/11 Time: 23:02
Sample: 2007 2009
Included observations: 3
Cross-sections included: 18
Total pool (balanced) observations: 54
Swamy and Arora estimator of component variances

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	3.771189	0.895572	4.210927	0.0001
EFF?	0.218414	0.110031	1.985029	0.0529
DOIL?*BC?	0.996425	0.206153	4.833426	0
(1-DOIL?)*EFF?	0.900675	0.274661	3.27922	0.0019
Random Effects (Cross)				
1--C	0.310425			
2--C	0.862367			
3--C	0.054491			
4--C	-0.255019			
5--C	-0.213773			
6--C	1.076218			
7--C	-0.066302			
8--C	0.262383			
9--C	0.684234			
10--C	0.634402			
11--C	-0.705667			
12--C	-1.198235			
13--C	0.631849			
14--C	0.213442			
15--C	0.406443			
16--C	-0.865776			
17--C	-0.802452			
18--C	-1.02903			
Fixed Effects (Period)				
2007--C	-0.159687			
2008--C	0.104624			
2009--C	0.055063			

Effects Specification

	S.D.	Rho
Cross-section random	0.557942	0.9796
Period fixed (dummy variables)		
Idiosyncratic random	0.080445	0.0204

Weighted Statistics

R-squared	0.710754	Mean dependent var	8.781689
Adjusted R-squared	0.680624	S.D. dependent var	0.165117
S.E. of regression	0.093313	Sum squared resid	0.417953
F-statistic	23.58974	Durbin-Watson stat	1.728404
Prob(F-statistic)	0		

Unweighted Statistics

R-squared	0.767843	Mean dependent var	8.781689
Sum squared resid	24.74132	Durbin-Watson stat	0.029198

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-04]